

ارزیابی عوامل فردی مؤثر بر احتمال مهاجرت از استان خوزستان به دیگر مناطق کشور

دکتر محمدرضا حسینی^۱ و داود شهپری ثانی^۲

تاریخ وصول: ۹۸/۶/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۲۴

چکیده:

مهاجرت داخلی یک فرایند مهم در اکثر کشورهاست و عکس العمل مردم نسبت به عواملی نظیر نابرابری‌های اقتصادی منطقه‌ای، ناکامی اجتماعی و عدم رضایت در بسیاری از جنبه‌های زندگی را منعکس می‌کند. استان خوزستان از نظر جابه‌جایی جمعیت در دوره ۹۵-۱۳۷۵ در مقایسه با سایر استان‌های کشور، با تغییرات عمده‌ای روبرو بوده بطوریکه بعد از استان تهران بیشترین درصد مهاجران خارج شده را داشته است. مقاله پیشرو با هدف شناخت عوامل فردی مؤثر بر احتمال مهاجرت از استان خوزستان به سایر نقاط کشور انجام شده است. روش تحقیق به‌کار رفته در این پژوهش، تحلیل ثانویه داده‌های خام دو درصد سرشماری سال ۱۳۹۵ می‌باشد. یافته‌ها نشان داد متغیرهای سن، جنس، وضعیت تأهل، وضعیت سواد و مدرک تحصیلی بر احتمال مهاجرت تأثیر می‌گذارند. زنان، افراد دارای همسر، افراد باسواد و افرادی که مدرک تحصیلی بالاتری داشته‌اند، بیشترین تعداد مهاجران را تشکیل می‌دهند. همچنین بیشتر مهاجران جوانان بودند. در بین مهاجرین خارج شده، اصفهان و تهران بیشترین دریافتی مهاجر را از خوزستان داشتند.

مفاهیم کلیدی: مهاجرت، عوامل فردی، تحلیل ثانویه، احتمال مهاجرت، استان خوزستان

^۱ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره)، بروجرد، ایران (نویسنده مسئول)
m.hosseini@abru.ac.ir

^۲ کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران dshahpari@ut.ac.ir

مقدمه و طرح مسأله

مهاجرت به‌عنوان یکی از عوامل اصلی پویایی جمعیت، سبب تحولات جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی مهمی در مبدأ و مقصد می‌گردد و به دلیل ماهیت خود می‌تواند علاوه بر تغییرات درازمدت و طولانی، آثار سریع و کوتاه‌مدتی را نیز در تعداد و ساختار جمعیت ایجاد کند و تعادل و عدم تعادل‌هایی را در جمعیت تحت تأثیر خود به وجود آورد (Asfaw & et al, 2010: 62). نه تنها حجم و چگونگی مهاجرت‌ها از کشوری به کشور دیگر از اهمیت زیادی برخوردار است، بلکه حرکات و جابه‌جایی جمعیت داخل یک کشور نیز می‌تواند دست‌کم در برخی از دوره‌های زمانی، موجب عمران و آبادانی و یا رکود و عقب‌ماندگی شود (Zanjani, 1999). این پدیده به‌عنوان حرکت مردم از یک منطقه جغرافیایی به منطقه‌ای دیگر شناخته می‌شود که ممکن است به‌صورت دائمی و یا موقت باشد (Adewale, 2005: 5). پدیده‌ی مهاجرت به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه یک مسأله‌ی اجتماعی و دارای پیامدهای متفاوتی است که می‌تواند نتایج مثبت (نظیر کاهش نابرابری منطقه‌ای و گسترش ایده‌ها) و منفی (نظیر تراکم جمعیت، فرار مغزها و کاهش توان اقتصادی مناطق مهاجرفرست) فراوانی را به دنبال داشته باشد (Mahmoudian and Ghasemi Ardehadi, 2013: 5). مهاجرت علاوه بر تأثیرات کمی در رشد جمعیت، اثرات قابل توجهی در کیفیت جمعیت مناطق مبدأ و مقصد دارد؛ زیرا با مهاجرت نیروی انسانی (جوانان واقع در سن کار و فعالیت) بر توسعه‌نیافتگی مناطق مهاجرفرست افزوده می‌شود و از سویی نیروی فعال و پرتحرک در اختیار مناطق مهاجرپذیر قرار می‌دهد و بدین ترتیب شکاف بین مناطق توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته را بیشتر می‌گرداند (Skeldon, 2010).

در شرایط طبیعی و متعارف، مهاجرت نوعی انتخاب و تصمیم‌گیری فردی است که از ویژگی‌ها، توانایی‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌های فرد تأثیر مستقیم می‌پذیرد و اساس چرخه‌ی زندگی و اندوخته‌های مادی و معنوی هر فرد نشان‌دهنده‌ی توانایی‌های او در غلبه بر موانع مهاجرت است. در این بین مفهوم سرمایه‌ی انسانی بیش از هر بعد دیگری خودنمایی می‌کند. سرمایه‌ی انسانی مفهومی چندبعدی است که با استفاده از معرف‌های مشخصی می‌توان آن را عملیاتی کرد. برخی از متغیرهای سرمایه‌ی انسانی ماهیت جمعیتی دارند همچون سن، جنس، وضعیت تأهل. برخی ماهیت آموزشی و مهارتی دارند نظیر تحصیلات و تخصص و تعدادی از متغیرها نظیر خطرپذیری، استقلال‌طلبی و ... نیز ماهیت روان‌شناختی دارند. این متغیرها در تعامل باهم و یا به‌طور انفرادی در تصمیم‌گیری فرد

برای مهاجرت و جابجایی نقش دارند (Moshfegh, 2011: 138). تحلیل ثانویه مطالعات انجام شده مهاجرت‌های داخلی در کشور نشان می‌دهد که روش‌های سنجش و اندازه‌گیری مهاجرت‌های داخلی در ایران به چند سنجه که طی این چند سال تقریباً ثابت بوده‌اند محدود می‌شود. عمده‌ترین شاخص‌ها و سنجه‌های اندازه‌گیری کننده‌ی مهاجرت در ایران محدود به مقایسه‌ی آمارهای خام واردشدگان و خارج‌شدگان و تحلیل میزان‌هایی چون میزان درون‌کوچی و برون‌کوچی و میزان خالص مهاجرت بوده است. در صورتی که این سنجه‌ها فقط نشان‌دهنده‌ی بخش کوچکی از ابعاد مهاجرت‌های داخلی است که تحت عنوان شدت یا حجم مهاجرت‌های داخلی است؛ بنابراین شناخت جمعیت شناسانه ما از پدیده‌ی مهاجرت‌های داخلی به دلیل عدم توسعه و بسط مفهومی و روشی در زمینه‌ی تحلیل مهاجرت‌های داخلی با خلاءهای جدی مواجه است و هر گونه تلاش در این زمینه می‌تواند، بصیرت و دانش ما را از سطح، روند و مکانیسم‌های مهاجرت‌های داخلی تعالی بخشد.

منابع آماری موجود نشان می‌دهد که استان خوزستان در دهه‌های گذشته به دلیل تأثیر عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی، پیوسته با نقل و انتقالات شدید جمعیتی روبرو شده است (Beyk Mohammadi and Mokhtari, 2003). روند مهاجرت بین استانی نشان می‌دهد در طول چهار سرشماری اخیر استان خوزستان بعد از استان تهران بیشترین درصد مهاجران خارج‌شده را داشته است. همچنین خالص مهاجرت استان‌ها نشان می‌دهد که این استان بیشترین خالص مهاجرت منفی را داشته است (Shahpari, 2017). در دوره‌ی ۱۰ ساله منتهی به سرشماری سال ۱۳۸۵، استان خوزستان با خالص مهاجرتی ۱۰۸۲۰۹- نفر جزء سه استان مهاجرفرست کشور به شمار می‌آید و خالص مهاجرتی آن نسبت به جمعیت بالاتر از میانگین کشوری است. همچنین نتایج سرشماری عمومی مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد این استان با خالص مهاجرتی ۵۴۵۳۰- نفر مهاجرفرست استان کشور به حساب می‌آید. نتایج سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ نشان داد که استان خوزستان با خالص مهاجرتی ۷۹۱۷۵- نفر در این دوره همچنان مهاجرفرست‌ترین استان کشور است. خالص مهاجرتی منفی در چند سال اخیر در رشد جمعیت، درصد جمعیت فعال، ساختار سنی و بعد خانوار این استان تأثیر بسزای داشته است.

با توجه به این واقعیت که در شرایط طبیعی، مهاجرت یک انتخاب و تصمیم‌گیری فردی است که در پاسخ به انتظارات و نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صورت

می‌گیرد: بنابراین برای شناخت دقیق آثار و پیامدهای مهاجرت و همچنین جریان مهاجرت‌های داخلی و برنامه‌ریزی در این زمینه، شناخت ویژگی‌های مهاجرین لازم و ضروری به نظر می‌رسد، دلیل این امر آن است که ویژگی‌های مهاجرین (جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی) تأثیر مستقیم و فراوانی در تغییرات اجتماعی و تحولات اقتصادی جامعه دارد و بدون در نظر گرفتن این مقوله نمی‌توان برنامه و راهکار مناسبی برای پیشرفت و توسعه‌ی آن منطقه فراهم کرد. همچنین اگر ما بتوانیم گروه‌هایی که احتمال بیشتری برای مهاجرت به شهرهای بزرگ را دارند شناسایی کنیم، می‌توانیم تا اندازه‌ای آینده‌ی رشد شهری، تأثیر تغییرات مختلف اجتماعی - اقتصادی بر حجم جمعیت در یک منطقه و همچنین تحرکات شهری - روستایی را پیش‌بینی کنیم و در نهایت با سازمان‌دهی منظم موجبات تعادل مجدد در سازمان اجتماعی را فراهم کنیم. با توجه به موارد ذکر شده لزوم پرداختن به مسأله‌ی عوامل فردی مؤثر بر احتمال مهاجرت از استان خوزستان به سایر نقاط کشور لازم و ضروری به نظر می‌رسد؛ بنابراین این پژوهش در پی پاسخگویی به این سؤال است که چه رابطه‌ای بین متغیرهای جمعیتی، متغیرهای اجتماعی - اقتصادی و احتمال مهاجرت افراد از استان خوزستان به سایر نقاط کشور وجود دارد؟

ادبیات پژوهش

شناخت مبانی نظری پیرامون هر پدیده، روش‌شنایی‌بخش و راهنمای طی مسیر تحقیق است و به شناخت بیشتر زوایای موضوع کمک شایانی می‌نماید. با توجه به اینکه مهاجرت حوزه‌های مختلف را شامل می‌شود، بنیان‌های نظری زیادی از سطح تحلیلی کلان مانند نظریه‌ی جاذبه و دافعه^۱ تا خرد مانند نظریه انتخاب عقلانی^۲ وجود دارد که هدفشان تبیین این است که چرا مردم مهاجرت می‌کنند. بیشترین تلقی‌های معاصر از موقعیت نظری رفتار مهاجرت در کارهای مسی و همکارانش (*Massey and Espana, 1987; Durand and Massey, 1992; Massey et al, 1993*). بر مبنای ادبیات تئوریک یک عامل نمی‌تواند به‌عنوان نیروی منفرد مؤثر بر مهاجرت مورد مطالعه قرار گیرد (*Mendola, 2007*). بلکه مهاجرت در پاسخ به دامنه‌ی گسترده‌ای از عوامل با اثربخشی متفاوت بر مردم رخ می‌دهد و لزوماً تمام مردم به شیوه‌ی مشابهی نسبت به آن‌ها واکنش نشان نمی‌دهند (*Parentwell, 2006*). الگوها و روندها در مهاجرت بیانگر آن هستند که تنها با تأکید بر

^۱ pull-push theory

^۲ rational choice theory

یک رشته یا یک سطح تحلیل نمی‌توان جریان‌های مداوم مهاجرت را تبیین کرد؛ بلکه ماهیت چندوجهی آن نیازمند نظریه‌ی پیچیده‌ای است که دورنماها، فرضیه‌ها و سطوح گوناگون را در برگیرد (Massey & et al, 1993: 431)؛ بنابراین، با توجه به ماهیت موضوع پژوهش، تنها با یک نظریه یا در یک سطح تحلیل نمی‌توان تحقیق را ساختار بندی کرد. جهت تبیین نظری مسأله‌ی تحقیق به نظریه‌های، جذب و دفع، سرمایه‌ی انسانی (هزینه - فایده)، محرومیت نسبی و نظریه‌ی مهاجرتی نئوکلاسیک‌ها توجه شده است. اورت لی نظریه‌ی مهاجرت خود را به‌عنوان مفهومی که حاوی عوامل مبدأ و مقصد، مجموعه‌ی موانع مداخله‌کننده و یک سلسله عوامل شخصی است به‌منظور تنظیم فرضیه‌های عمومی در خصوص حجم مهاجرت، گسترش جریان و ضد جریان مهاجرت و خصوصیات مهاجرین به کار می‌برد (Todaro, 1987: 24). نظریه‌ی لی به " نظریه‌ی جاذبه - دافعه " مشهور است. بر اساس این نظریه عوامل جاذبه‌ی مقصد و دافعه‌ی مبدأ، اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... تمایل به مهاجرت را تا حدود زیادی تحت تأثیر قرار می‌دهد و در مرحله‌ی بعد و در صورت مهیا بودن شرایط و امکانات مناسب، این تمایل تبدیل به رفتار می‌شود. در کنار این عوامل، مقولاتی چون هزینه‌های مهاجرت، ویژگی‌های روحی و روانی، ارزش‌ها و آمال افراد، تمایل به مهاجرت آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مدل لی، زمانی که عوامل دافعه (منفی) در مبدأ و از سوی دیگر عوامل جاذبه (مثبت) در مقصد بیشتر باشند، احتمال تصمیم به مهاجرت بالا می‌رود.

نظریه‌ی سرمایه‌ی انسانی که در دهه‌ی ۱۹۶۰ برای تحلیل مهاجرت به کار گرفته شد، از دیدگاه برخی تحلیل‌گران برای نیروی انسانی آموزش دیده بسیار مناسب شناخته شد. این نگرش با تلقی مهارت و تخصص انسان به‌عنوان کالایی در بازار عرضه و تقاضای کار، به تحلیل مهاجرت می‌پردازد؛ بنابراین، تصمیم‌گیری افراد متخصص به مهاجرت، به‌مثابه نوعی تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از آن تلقی می‌شود (Todaro, 1987: 28). تئوری سرمایه‌ی انسانی با مدل هزینه - فایده که در آن ارزیابی عقلانی هزینه‌ها و منافع برای مهاجرت در نظر گرفته می‌شود، مرتبط است. در پیش‌بینی احتمال مهاجرت در مدل هزینه - فایده بر ویژگی‌های فردی تکیه شده است (Oberai, 1991: 73). بر اساس تقسیم‌بندی استارک، هزینه‌های مهاجرت شامل موارد زیر می‌شود: هزینه‌های پولی مستقیم ناشی از مسافرت (نظیر حمل‌ونقل)، هزینه‌های اطلاعات و تحقیق (مثلاً شناسایی شغل‌های موجود)، هزینه‌های فرصت (نظیر دست‌کشیدن از کار برای مهاجرت) و هزینه‌های روحی (نظیر ترک محیط آشنا) (Stark, 1984: 478). در این

نظریه فرض بر این است که انسان‌ها تمایل دارند که درآمد خالص واقعی دوران زندگی شغلی خود را به حداکثر برسانند و می‌توانند درآمد احتمالی آینده در مقصد و درآمد کنونی خود در مبدأ را محاسبه نمایند. بر طبق این نظریه می‌توان انتظار داشت که افراد مسن نسبت به جوانان تمایل کمتری به مهاجرت دارند، زیرا اولاً تفاوت درآمد بین مبدأ و مقصد با توجه به عمر باقی‌مانده آن‌قدر زیاد نیست و در ثانی هزینه‌های غیر مادی برای این افراد بیش از جوانان است. جوانان به‌ویژه جوانان تحصیل‌کرده بیش از دیگران مهاجرت می‌کنند، زیرا تفاوت درآمد بالقوه‌ی آنان بین مبدأ و مقصد احتمالاً زیاد است (Ershad, 2001: 49).

بر اساس نظریه‌ی محرومیت نسبی، زمانی که جامعه قادر به تأمین نسبی احتیاجات و نیازهای افراد نباشد، احتمال بروز رفتارهای جمعی افزایش پیدا می‌کند. یکی از این رفتارهای جمعی مهاجرت است که در شرایط محرومیت نسبی احتمال وقوع آن فزونی می‌گیرد. در شرایط محرومیت نسبی افراد برای رفع محرومیت‌های خویش از امکانات مادی و معنوی، اقدام به مهاجرت می‌کنند. در چارچوب نظریه‌ی محرومیت نسبی، فردی که تصمیم به مهاجرت می‌گیرد دو موقعیت را ارزیابی می‌کند؛ از یک‌سو، وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود را با دیگران و از سوی دیگر وضعیت مبدأ را با مقصد مقایسه کرده و در نتیجه‌ی آن، در خصوص مهاجرت کردن یا مهاجرت نکردن، تصمیم می‌گیرد. در این دیدگاه مهاجرت پاسخ نهایی به محرومیت‌های نسبی است. وقتی فردی نتواند به هدف‌های بالارزش در داخل سازمان اجتماعی خود دست یابد و احساس کند که منابع لازم برای رفع محرومیت‌هایش در خارج از سازمان اجتماعی وجود دارد، مهاجرت می‌کند. گرایش طبیعی جوانان برای مهاجرت به مناطق دیگر خود تابعی از انتظارات و ارزش‌های ذهنی آنان است. اشخاص ممکن است در نتیجه مقایسه‌ی موقعیت خود نسبت به گروه مرجع احساس محرومیت کرده و دست به مهاجرت بزنند (Stark and Bloom, 1985: 173-178). مطالعه‌ی بی‌هانداری در نیال نشان داد بین محرومیت و مهاجرت رابطه‌ی مستقیم وجود دارد و اشخاصی که احساس محرومیت بیشتری دارند نسبت به هم‌تاهای خود بیشتر تمایل به مهاجرت دارند (Bhandari, 2004: 475-499). نظریه‌ی مهاجرتی نئوکلاسیک‌ها، مشهورترین نظریه‌ی کارکردگرایانه‌ی اقتصادی است. این نظریه پیامد مهاجرت را با تفاوت‌های جغرافیایی بیان می‌کند که به علت دیدگاه‌های فردی، عقلایی و حداکثرسازی درآمد و سود محقق می‌شود و همین عامل منجر به مهاجرت از نواحی با درآمد پایین به

نواحی با درآمد بالا که در آن فرد بهره‌ورتر و دارای دستمزد بالاتر است می‌شود (De Hass, 2010).

پیشینه تجربی پژوهش

بررسی مطالعات صورت گرفته در زمینه‌ی عوامل مؤثر بر مهاجرت‌ها نشان می‌دهد پژوهشی که دقیقاً با عنوان و موضوع تحقیق حاضر همخوانی داشته باشد انجام نشده و بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در داخل و خارج (Ghasemi Ardehaei, 2006; Ghaffari & Torki Harcheghani, 2011; Esmali & Mahmoodian, 2017; Fan, 2005; Sozoki, 2007; Crow, 2010; Piras, 2015; Enigbokan et al, 2019; Liu et al, 2018; Falco et al, 2015)؛ در زمینه‌ی عوامل اثرگذار بر مهاجرت بیشتر متمرکز بر مهاجرت روستا - شهری و با استفاده از پیمایش و تحقیقات میدانی انجام شده است.

الف) تحقیقات داخلی

Ghasemi Ardehaei (2006) در بررسی علل مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران به این نتیجه رسید از بین چهار بعد اجتماعی، اقتصادی، جمعیت شناختی و طبیعی - کشاورزی؛ بعد اقتصادی بیشترین نقش را ایفا می‌کند.

Ghaffari & Torki Harcheghani (2011) نشان می‌دهند بین اشتغال، دستیابی به امنیت شغلی، درآمد و کار بهتر، دستیابی به امکانات تفریحی - ورزشی، دستیابی به تسهیلات آموزشی و کثرت امکانات در شهرها با میزان مهاجرت جوانان روستایی رابطه معناداری وجود دارد. کمبود خدمات رفاهی و آموزشی و عدم وجود فرصت‌های شغلی در روستا از جمله عوامل دفع‌کننده‌ی جمعیت جوانان در روستا به شمار می‌آیند.

نتایج تحقیق Esmali & Mahmoodian (2017) در بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های تحصیلی و شغلی زنان جوان ایرانی در دوره‌ی ۹۰-۱۳۸۵ نشان می‌دهد که مجرد، سرپرستی خانوار، ضریب نفوذ اینترنت، تحصیلات دانشگاهی و مشارکت اقتصادی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر مهاجرت‌های شغلی و تحصیلی زنان در سال‌های اخیر بوده است. از این‌رو، افزایش سطح تحصیلات زنان در ایران و به تبع آن تحرک اجتماعی و ورود به بازار کار زنان منجر به حرکات مکانی و مهاجرتی بیشتر در ایران خواهد شد.

ب) تحقیقات خارجی

(2005) *Fan* در مقاله‌ای با عنوان "مدل مهاجرت بین استانی در چین" بر اساس رویکرد جاذبه و نظریات راونشتاین به بررسی مهاجرت‌های بین استانی در چین پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داد که در طول زمان، اهمیت عوامل جاذبه کاهش یافته است. همچنین، مدل‌هایی که بر اساس رویکرد جاذبه هستند، از نظر تئوریک و روش‌شناختی برای افزایش اطلاعات ما از مهاجرت‌های بین استانی مفید می‌باشند و الگوها و فرایندهای تصمیم‌گیری در مورد مهاجرت در چین، با کشورهای سرمایه‌داری و پیشرفته تفاوتی ندارد.

(2007) *Sozoki* به بررسی تأثیر مهاجرت بین استانی در سطوح آموزشی مختلف بر روی توزیع مجدد سرمایه‌ی انسانی در استان‌های چین پرداخته است. نتایج مطالعه‌ی وی نشان داد که فرار مغزها وابسته به سرمایه‌ی انسانی موجود در استان‌های مبدأ بوده است. همچنین در استان‌هایی که سرمایه‌ی انسانی بالاتری داشتند به علت عدم تأمین شغلی افراد، میزان مهاجرت بالا بود؛ همچنین نتایج نشان داد که تنها مسأله‌ی نیروی کار در این زمینه مؤثر نبوده بلکه بیشتر احتمال می‌رود که ارتباط میان مهاجرت و سرمایه‌ی انسانی در نتیجه عدم تعادل رشد اقتصادی در استان‌های چین باشد در استان‌هایی که جمعیت بالاتری داشتند و فقیرتر بودند، بیشترین مهاجرت در میان فارغ‌التحصیلان دبیرستانی دیده می‌شود. استان‌هایی که بیشترین تأثیر را از فرار مغزها داشتند، به افزایش سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های انسانی خود پرداختند.

مطالعه‌ی (2010) *Crow* در بررسی عوامل مؤثر بر تصمیمات مهاجرت روستایی در اسکاتلند نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی (نظیر بیکاری و نیاز به یک کار با کیفیت بالا و درآمد پایین در روستاها) و عوامل خدماتی - رفاهی (کمبود امکانات در روستاها) بر تصمیم مهاجرت روستاییان به شهر مؤثرند.

(2015) *Piras* در پژوهشی با عنوان "عوامل جذب و دفع مهاجرت داخلی در ایتالیا: برآورد مدل گرانشی با سرمایه‌ی انسانی با استفاده از رویکردهای همگن و ناهمگن" به این نتیجه رسید که متغیرهای اقتصادی کلان عامل اصلی جریان‌های مهاجرت داخلی ایتالیا طی دوره ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۵ هستند.

(2015) *Enigbokan & et. al.* در بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت مهاجران نیجریه و زیمباوه در آفریقای جنوبی به این نتیجه رسیده‌اند که علی‌رغم اثرگذاری عوامل اقتصادی

در مهاجرت، عوامل غیر اقتصادی نقش مهم‌تری در مهاجرت مهاجرین نیجریه و زیمباوه‌ای به آفریقای جنوبی دارند.

در مطالعه‌ی *Liu & et. al. (2018)* نشان داده شد که تحصیلات، سن، درآمد، وضعیت اشتغال و نوع اشغال تأثیر قابل توجهی بر قصد سکونت شهری مهاجران داشته است. *Falco & et. al. (2019)* به بررسی تأثیر تغییر اقلیم بر مهاجرت پرداخته‌اند. آنها در این پژوهش از داده‌های ۱۰۸ کشور از ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۰ برای تحلیل رابطه‌ی بین تغییرات آب و هوایی، تغییرات در بهره‌وری کشاورزی و مهاجرت بین‌المللی استفاده کردند. نتایج آنها نشان داد که اثرات شوک‌های منفی ناشی از تغییرات اقلیمی در بهره‌وری کشاورزی منجر به افزایش قابل توجه مهاجرت از کشورهای در حال توسعه شده است که تأثیر زیادی در این کشورها داشته است.

مرور مطالعات انجام‌شده در زمینه‌ی مهاجرت نشان می‌دهد که بسیاری از آنها رویکردی کلان نسبت به مهاجرت داشته‌اند و اساساً واحد تحلیل این‌گونه مطالعات، استان‌ها و یا مناطق جغرافیایی کوچک‌تر بوده است، در حالی که شمار مطالعات و تحقیقات با رویکرد تحلیلی خرد اندک است. وجه تمایز تحقیق پیش رو با مطالعات قبلی در این است که این تحقیق رویکرد خرد نسبت به پدیده‌ی مهاجرت داشته و تلاش می‌کند تا به این سؤال پاسخ دهد: مهاجران چه کسانی هستند و از چه ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی برخوردار هستند؟

روش‌شناسی پژوهش

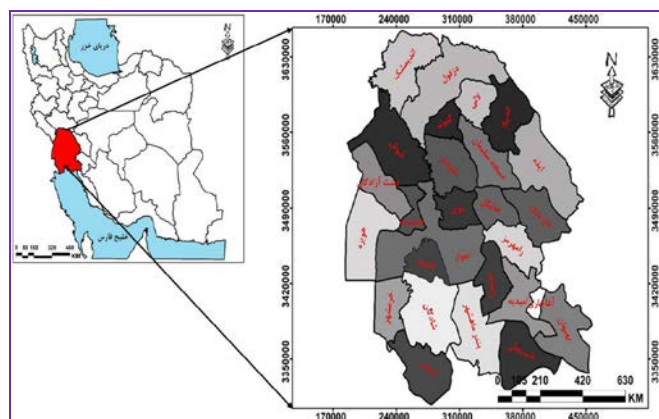
این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ روش بررسی، توصیفی - تحلیلی است که در آن به تجزیه و تحلیل داده‌های سرشماری به صورت مقطعی پرداخته شده است. منابع داده‌ها شامل داده‌های خام دو درصد سرشماری سال ۱۳۹۵ که توسط مرکز آمار ایران گردآوری شده، می‌باشند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار *SPSS 24* پردازش و تجزیه و تحلیل شدند. همچنین در تهیه‌ی نقشه‌ها از نرم‌افزار *ARC GIS* استفاده شده است. در تحلیل چنده متغیره، جهت مشخص شدن تأثیر ویژگی‌های فردی بر احتمال مهاجرت افراد در استان خوزستان، از روش رگرسیون لجستیک^۱ استفاده شده است. به این ترتیب افرادی که در سرشماری ۱۳۹۰ ساکن یکی از شهرستان‌های استان خوزستان بوده‌اند ولی در

^۱ logistic regression

سرشماری ۱۳۹۵ محل اقامت خود را تغییر داده بودند مهاجر به حساب آمده و با کد ۱ مشخص شدند. در طرف مقابل افرادی که در فاصله‌ی دو سرشماری تغییری در محل اقامت‌شان نداشتند به‌عنوان غیر مهاجر در نظر گرفته شده و کد صفر گرفتند.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

استان خوزستان، به لحاظ موقعیت جغرافیایی بین ۲۹ درجه و ۵۷ دقیقه تا ۳۳ درجه‌ی عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۳ دقیقه طول شرقی واقع گردیده است. این استان با وسعتی عادل ۶۴۰۵۵ کیلومتر مربع در جنوب غربی ایران، ۳/۹ درصد از کل مساحت کشور را دارا بوده است که از این جهت، دهمین استان ایران محسوب می‌شود. بر اساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۹۵، استان خوزستان از ۲۷ شهرستان، ۷۶ شهر، ۶۷ بخش و ۱۴۴ دهستان تقسیم شده و مرکز آن شهر اهواز می‌باشد. از نظر موقعیت نسبی این استان، از شمال به استان لرستان، از شمال شرقی به استان چهارمحال و بختیاری، از شمال غربی به استان ایلام، از شرق و جنوب شرقی به استان بوشهر و استان کهگیلویه و بویر احمد، از جنوب به خلیج فارس و از غرب به کشور عراق محدود می‌شود (شکل ۱).



شکل ۱: موقعیت جغرافیایی استان خوزستان

Figure 1: Geographical Location of Khuzestan Province

یافته‌های پژوهش

جدول ۱ توزیع افراد مهاجر بر حسب محل اقامت قبلی آنان که یکی از شهرستان‌های استان خوزستان می‌باشد را نشان می‌دهد. بیشترین تعداد از این افراد به شهر آبادان تعلق داشته‌اند (۲۰ درصد). بعد از آبادان، شهرستان‌های اهواز و اندیمشک به ترتیب با ۱۷/۱ و ۱۰/۱ درصد در رده‌های بعدی قرار دارند. کمترین تعداد مهاجران نیز به هویزه و کارون می‌باشد که تنها ۰/۴ و ۰/۳ درصد افراد را شامل می‌شود.

جدول ۱: توزیع پاسخگویان بر حسب محل اقامت قبلی آن‌ها در استان خوزستان

Table 1: Distribution of Respondents by Their Previous Place of Residence in Khuzestan Province

درصد نسبت به جمعیت	مهاجران خارج شده		شهرستان
	درصد	تعداد	
Percentage to Population	Emigration		County
	Percentage	N	
0/27	20	824	آبادان
0/06	0/3	12	آغاچاری
0/03	0/3	13	اندیکا
0/24	10/1	414	اندیمشک
0/05	17/1	705	اهواز
0/09	4.5	184	ایذه
0/32	7/3	301	امیدیه
0/04	1.3	52	باغ‌ملک
0/02	0/5	22	باوی
0/09	6.7	275	بندر ماهشهر
0/09	4/3	177	بهبهان
0/04	0/1	25	حمیدیه
0/12	5/4	222	خرمشهر
0/05	6	247	دزفول
0/06	1/6	65	دشت آزادگان
0/02	0/3	11	رامشیر

درصد نسبت به جمعیت	مهاجران خارج شده		شهرستان
	درصد	تعداد	
Percentage to Population	Emigration		County
	Percentage	N	
0/09	2.6	109	رامهرمز
0/02	0/8	34	شادگان
0/04	2/2	89	شوش
0/1	4/7	193	شوشتر
0/01	0/3	11	کارون
0/07	1/1	46	گتوند
0/07	0/7	29	لالی
0/03	1	41	مسجدسلیمان
0/07	0/4	16	هفتگل
0/08	0/04	18	هندیجان
0	0/4	2	هویزه
0/08	100	4117	کل

در شکل ۲ مقصد مهاجران خوزستانی نمایش داده شده است.^۱ استان اصفهان بالای ۲۳ درصد مهاجران خوزستانی را به خود اختصاص داده است. تهران با ۱۹/۱ درصد و البرز با ۱۰/۴ درصد در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

^۱ در اینجا مهاجران درون استانی از نمونه کنار گذاشته شده‌اند که شامل ۱۸۰۷ نفر (معادل ۴۳ درصد) کل مهاجران می‌شود.



شکل ۲: مقصد مهاجران خارج شده از استان خوزستان

Figure 2: Destination of Immigrants Leaving Khuzestan Province

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که بالای ۹۵ درصد افراد خارج شده از استان خوزستان در مناطق شهری استان‌های کشور ساکن شده‌اند و تنها ۴/۵ درصد به روستاهای سایر استان‌ها مهاجرت کرده‌اند.

جدول ۲: مقصد مهاجران خارج شده از استان خوزستان بر حسب محل سکونت

Table 2: Destination of Immigrants Leaving Khuzestan Province by Place of Residence

درصد	تعداد	محل سکونت
Percentage	N	Place of Residence
4/5	104	روستا
95/5	2206	شهر
100	2310	کل

در جدول ۳ ویژگی‌های فردی و اقتصادی اجتماعی مهاجران نشان داده شده است. از مجموع این افراد ۴۹/۳ درصد را مردان و ۵۰/۷۴ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. وضعیت زناشویی افراد نیز حاکی از آن است که بیش از نیمی از این افراد دارای همسر هستند (۵۷/۶ درصد). حدود ۲۴ درصد هرگز ازدواج نکرده و ۳/۱ درصد نیز در حال حاضر به یکی

از دلایل مرگ همسر و یا طلاق بدون همسر می‌باشند. ۱۵ درصد نیز وضع زناشویی خود را اعلام نکرده بودند. به لحاظ مدت اقامت نیز یافته‌ها نشان می‌دهد که حدود ۱۴ درصد افراد تنها یک سال از مدت اقامتشان در محل جدید می‌گذرد. بالای ۲۶ درصد نیز هنوز مدت اقامتشان به یک سال نیز نرسیده است. از طرفی تنها ۶ درصد حدود ۵ سال از اقامتشان در این مکان جدید می‌گذرد.

جدول ۳: ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مهاجران

Table 3: Demographic, Economic and Social Characteristics of Emmigrants

متغیر	طبقه	تعداد	درصد
Variable	Class	N	Percentage
جنس	زن	1172	50/7
	مرد	1138	49/3
وضع زناشویی	دارای همسر	1330	57/6
	بی‌همسر در اثر فوت	34	1/5
	بی‌همسر در اثر طلاق	38	1/6
	هرگز ازدواج نکرده	562	24/3
مدت اقامت در محل جدید	اظهار نشده	315	15
	کمتر از یک سال	613	26/5
	۱ سال	329	14/2
	۲ سال	452	19/6
	۳ سال	451	19/5
	۴ سال	314	16/6
	۵ سال	144	6/2
بستگی با سرپرست خانوار	اظهار نشده	7	0/3
	سرپرست خانوار	714	30/9
	همسر	642	27/8
	فرزند	871	37/7
	عروس یا داماد	8	0/3
	نوه یا نتیجه	4	0/2

متغیر	طبقه	تعداد	درصد
Variable	Class	N	Percentage
	پدر یا مادر	6	0/3
	خواهر یا برادر	12	0/5
	سایر خویشاوندان	4	0/2
	غیر خویشاوند	1	0/01
وضع سواد	بی پاسخ	48	2/1
	باسواد	2092	90/5
	بی سواد	52	2/3
سن	اظهار نشده	166	7/2
	0-14	500	21/6
	15-29	671	29
	30-44	753	32/6
	45-59	272	11/8
	+60	114	4/9
مدرک تحصیلی	ابتدایی	65	3/1
	راهنمایی	163	7/8
	متوسطه	550	26/3
	دانشگاهی	1275	61
	اظهار نشده	39	1/8
وضع فعالیت	شاغل	653	28/3
	غیر شاغل	1658	71/7

نقش سرپرست خانوار در مهاجرت‌ها یکی از مسائلی است که نباید مغفول بماند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود بالای ۳۰ درصد افراد مهاجر را سرپرستان خانوار تشکیل می‌دهند. بیشتر مهاجران را افراد جوان و واقع در سن فعالیت تشکیل داده‌اند و هر چه به طرف سنین بالاتر می‌رویم از تعداد افراد کاسته می‌شود. میانگین سنی مهاجران ۲۹/۱۸ سال و میانه سنی آن‌ها برابر با ۲۹ سال می‌باشد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود طیف

سنی ۳۰-۴۴ سال با ۳۲/۶ درصد و ۲۹-۱۵ سال با ۲۹ درصد بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند. به لحاظ وضع سواد می‌توان متوجه شد که پاسخگویان در وضعیت خوبی به سر می‌برند با این حال ۲/۳ درصد افراد را کسانی تشکیل می‌دهند که بی‌سواد بوده‌اند. در میان افراد باسواد مشاهده می‌شود که حدود ۳ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، نزدیک به ۸ درصد تحصیلات راهنمایی، حدود ۲۶ درصد نیز دارای تحصیلات متوسطه و بالای ۶۱ درصد دارای تحصیلات عالی هستند. از لحاظ وضع فعالیت بالای ۷۰ درصد مهاجرین خارج شده از استان خوزستان را غیر شاغلین تشکیل می‌دهند و تنها ۲۸ درصد شاغل بودند.

تحلیل چند متغیره

در تحلیل چند متغیره تحقیق با استفاده از رگرسیون لجستیک به برآورد ضرایب اثرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته‌ی تحقیق پرداخته شده است تا اثرگذاری هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته با کنترل سایر متغیرها بررسی گردد. اسمی بودن (دو وجهی یا چند وجهی) متغیر وابسته پیش‌فرض اساسی رگرسیون لجستیک می‌باشد. با توجه به اینکه متغیر وابسته در این تحقیق (احتمال مهاجرت) به شکل متغیری اسمی دو شقی (۰ - غیر مهاجر؛ ۱ - مهاجر) می‌باشد؛ بنابراین به‌منظور بررسی اثرگذاری متغیرهای مستقل تحقیق بر این متغیر از تحلیل رگرسیون لجستیک بهره برده‌ایم. همچنین در تحلیل رگرسیون لجستیک فرض بر این است که تمامی متغیرهای مستقل در سطح سنجش فاصله/نسبی هستند اما با توجه به اینکه متغیرهای مستقل این تحقیق در سطح سنجش اسمی و یا ترتیبی بوده‌اند با انتخاب متغیر مرجع، متغیرهای شبه فاصله‌ای (با دو کد صفر و یک) ساخته شد تا بتوانیم نسبت طبقات آنها را در متغیر وابسته بررسی کنیم. نتایج آزمون مربوطه در جدول ۴ گزارش شده است.

مدل‌های مطرح شده احتمال پیش‌بینی هر یک از متغیرهای مستقل در مورد احتمال مهاجرت را نشان می‌دهد. در مدل اول، متغیرهای جمعیتی که به‌طور مستقیم و بدون واسطه مهاجرت را تحت تأثیر قرار می‌دهند وارد مدل رگرسیونی شدند. سپس، متغیرهای اجتماعی و اقتصادی وارد مدل دوم، شدند تا تأثیر همزمان متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی، بر مهاجرت ارزیابی شود. متغیرهای مستقل در نظر گرفته‌شده برای تحلیل حاضر، سن، جنس، وضعیت تأهل، وضع فعالیت، وضع سواد و مدرک تحصیلی بودند. یافته‌های این تحلیل در جدول ۴ آورده شده است.

در مدل اول متغیرهای سن، جنس و وضع زناشویی به عنوان متغیرهای پیش‌بین قرار دارند. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که متغیر جنسیت تأثیری منفی معنی‌داری بر احتمال مهاجرت داشته است. این تأثیر در سطح خطای کوچک‌تر از یک درصد معنی‌دار شده است. به این صورت که هر چه بر سن افراد افزوده شود، احتمال مهاجرت کاهش می‌یابد. از طرفی زنان به نسبت مردان احتمال بیشتری دارد تا مهاجرت کنند. آمارها در رابطه با وضع زناشویی نیز نشان می‌دهد که تنها ضریب به‌دست آمده برای طبقه‌ی هرگز ازدواج نکرده نسبت به طبقه‌ی مرجع معنی‌دار شده است. به این ترتیب افراد هرگز ازدواج نکرده در مقایسه با افراد دارای همسر، ۳۶ درصد کمتر احتمال دارد که دست به مهاجرت بزنند. این سه متغیر در کنار هم توانسته‌اند تنها ۱۱/۴ درصد تغییرات در متغیر وابسته را تبیین کنند که مشخص می‌کند متغیرهای تأثیرگذار دیگری وجود دارند که احتمال مهاجرت افراد را تبیین می‌کنند.

در مدل دوم متغیرهای وضع سواد، مدرک تحصیلی و وضع اشتغال (با دو طبقه شاغل و غیر شاغل) به متغیرهای مدل اول اضافه شدند. اضافه شدن این متغیرها سبب شد تا ضریب تأثیر متغیر جنسیت غیر معنی‌دار شود. با این حال تغییری در ضرایب طبقات متغیر وضع زناشویی و همچنین متغیر سن حاصل نشده است. افراد هرگز ازدواج نکرده در مقایسه با افراد دارای همسر احتمال کمتری دارد مهاجرت کنند و تأثیر سن نیز همچنان به صورت معکوس و منفی باقی مانده است. احتمال مهاجرت افراد بی‌سواد ۷۴ درصد کمتر از افراد باسواد بوده است. این امر در مورد افراد با مدرک تحصیلی پایین‌تر نیز صدق می‌کند و احتمال مهاجرت در افراد با مدرک تحصیلی پایین‌تر، کمتر است. همان‌گونه که در جدول ۴ آمده است ضرایب مربوط به طبقات مدرک تحصیلی حاکی از آن است که تمامی افراد دارای مدرک تحصیلی مختلف در مقایسه با افراد دارای تحصیلات ابتدایی (طبقه‌ی مرجع) احتمال بیشتری دارد که مهاجرت کنند. به این ترتیب که هر چه مدرک تحصیلی بالاتر باشد احتمال مهاجرت نیز بیشتر شده است. وضع فعالیت نیز دارای تأثیر معنی‌داری بر احتمال مهاجرت افراد نبوده است.

همان‌طور که داده‌های جدول نشان می‌دهد با ورود متغیرهای اجتماعی و اقتصادی، ضریب تعیین متغیر وابسته هم افزایش پیدا می‌کند و از ۱۱/۴ درصد در مدل اول به ۱۴/۷ درصد در مدل دوم می‌رسد و این به معنای آن است که این متغیرها در مجموع توانسته‌اند بالای ۱۴ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند.

جدول ۴: پیش‌بینی احتمال مهاجرت برحسب متغیرهای منتخب با استفاده از رگرسیون لجستیک

Table 4: Prediction of Migration Probability in Terms of Selected Variables Using Logistic Regression

مدل دوم		مدل اول		متغیرهای مستقل	
Second Model		First Model		Independent Variables	
سطح معنی‌داری	(B)	سطح معنی‌داری	(B)	طبقه	متغیر
Sig	(B)	Sig	(B)	Class	Variable
**	0/892	**	0/886		سن
				مرد (مرجع)	جنس
ns	1/836	**	1/756	زن	
				دارای همسر (مرجع)	وضع زناشویی
ns	1/813	ns	0/762	بی‌همسر (فوت)	
ns	0/881	ns	0/852	بی‌همسر (طلاق)	
**	0/654	**	0/640	هرگز ازدواج نکرده	
				باسواد (مرجع)	وضع سواد
**	0/263			بی‌سواد	
				غیر شاغل (مرجع)	وضع اشتغال
ns	0/925			شاغل	
				ابتدایی (مرجع)	مدرک تحصیلی
**	1/481			راهنمایی	
**	2/898			متوسطه	
**	4/279			دانشگاهی	
0/059**		0/128 **		مقدار ثابت	
831/282 **		492/730 **		Chi-Square	
0/147		0/114		Nagelkerke R Square	

بحث و نتیجه‌گیری

استان خوزستان به دلیل موقعیت استراتژیک، هم‌جواری با کشورهای ثروتمند حاشیه‌ی خلیج فارس، برخورداری از صنایع متعدد و بزرگ پتروشیمی، برخورداری از بنادر مهم صادراتی و وارداتی و دسترسی به آب‌های آزاد، وجود قابلیت گردشگری در اغلب

زمینه‌ها، وجود رودخانه‌های متعدد در آن، منطقه‌ای حساس و پراهمیت از جنبه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی در کشور و منطقه است؛ اما به‌رغم برخورداری‌های طبیعی و استراتژیک، مسائل، مشکلات و موانع پیشرفت آن نیز بعضاً بی‌نظیر یا کم‌نظیرند. همین مشکلات که در بسیار موارد مورد بی‌اعتنایی یا غفلت تصمیم‌گیران مرکز قرار گرفته باعث تشدید این مشکلات شده است. یکی از مسائلی که در چند دهه‌ی اخیر استان خوزستان با آن مواجهه شده، مسأله‌ی جمعیت و پدیده‌ی مهاجرفرستی شدید می‌باشد که تبدیل به یک بحران شده است. دلایل مهاجرت افراد از این استان نیز به‌عنوان مسئله‌ای مهم ذهن محققان را به خود مشغول ساخته است. بر همین اساس در تحقیق حاضر سعی شد تا با مطالعه‌ی ویژگی‌های افراد مهاجر به بررسی احتمال مهاجرت افراد از استان خوزستان پرداخته شود. یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که شهرهای آبادان، اهواز و اندیمشک به ترتیب بیشترین مهاجرفرستی را در استان به نام خود ثبت کرده‌اند. البته بیش از ۴۳ درصد آنان به یکی دیگر از شهرستان‌های استان خوزستان وارد شده بودند. در بین مهاجرین خارج شده، نیز اصفهان، تهران و البرز بیشترین دریافتی مهاجر را از خوزستان داشتند. زنان و افراد دارای همسر بیشترین تعداد مهاجران را تشکیل می‌دادند. بیشتر مهاجران جوان بودند و میانگین سنی آن‌ها نیز ۲۹/۱۸ سال بوده است. در نهایت تحلیل‌های چند متغیره آشکار کرد که مجموع متغیرهای مستقل در این تحقیق، بالای ۱۴ درصد تغییرات متغیر وابسته (احتمال مهاجرت) را تبیین کنند. همچنین ارزیابی عوامل فردی مؤثر بر احتمال مهاجرت از استان خوزستان به سایر نقاط کشور نشان داد که احتمال مهاجرت در میان جوانان، متأهلین، افراد باسواد و افرادی که تحصیلات عالی دارند بیشتر است. یافته‌های مذکور در مطالعات پیشین (Ghaffari & Torke Harcheghani, 2007; Enigbokan & et. al., 2011; Esmali & Mahmoodian, 2017; Liu & et. al., 2018). به‌عنوان مثال در مطالعه‌ی (Liu & et. al., 2018) نشان داده شد که تحصیلات و سن تأثیر قابل توجهی بر قصد سکونت شهری مهاجران داشته است. نتایج این تحقیق بیش از همه با نظریه‌ی هزینه - فایده و نظریه‌ی سرمایه‌ی انسانی در رابطه‌ی مهاجرت همسو هستند. بر این اساس افراد بر اساس انتظارات و تخصصی که دارند اقدام به محاسبه‌ی سود و زیان ناشی از مهاجرت می‌کنند و دست به مهاجرت می‌زنند. به این صورت که افراد جوان به دلیل فواید بیشتری که عابدهشان می‌شود اقدام به مهاجرت می‌کنند. از طرفی نیاز بازار کار به متخصصان سبب خواهد شد که مهاجرت

نیروی کار با مدرک تحصیلی بالاتر از منطقه‌ای که نیاز آن‌ها را برطرف نمی‌کند، با احتمال بیشتری صورت گیرد.

در نهایت بایستی بیان کرد که اگر چه ویژگی‌های جمعیتی افراد می‌تواند بر احتمال مهاجرت آن‌ها از استان خوزستان تأثیرگذار باشد، با این حال ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی افراد تأثیرات مهم‌تر و بیشتری بر احتمال مهاجرت آن‌ها دارد. این امر به روشنی مشخص می‌سازد که تغییرات در ساختارهای اقتصادی اجتماعی جامعه به‌روشنی در ویژگی‌های فردی جمعیت نمود پیدا می‌کند و همانند دیگر پدیده‌های جمعیتی مثل باروری و مرگ و میر، مهاجرت نیز بیش از آنکه تنها به ویژگی‌های جمعیتی مرتبط باشد، توسط انتظارات و اهداف افراد تبیین می‌شود. برنامه‌ریزی به‌منظور کاهش فاصله در شاخص‌های توسعه‌ی انسانی استان با استان‌های تراز اول کشور، فراهم‌سازی محیط سالم از طریق ایجاد تفریحات عمومی در اوقات فراغت و ایجاد فرصت‌ها و امکانات جهت شکوفایی استعداد جوانان، پژوهش و نیازسنجی در ابعاد مختلف (اجتماعی، اقتصادی، رفاهی - تفریحی) برای جوانان و اولویت‌بندی این نیازها، تأسیس شهرک‌های علمی - پژوهشی و مراکز تحقیقاتی جدید و تأمین همه‌ی نیازهای علمی فارغ‌التحصیلان و نخبگان دانشگاهی، تأسیس مرکز کاریابی برای فارغ‌التحصیلان و نخبگان دانشگاهی از جمله مواردی است که می‌توان زمینه‌ی جذب جمعیت و کاهش مهاجرت فرستی را به استان خوزستان فراهم کند.

References:

Adewale, J. G. (2005). "Socio-economic factors associated with urban-rural migration in Nigeria: A case study of Oyo State, Nigeria", *Journal of Human Ecology*, 17(1), 13-16.

Asfaw, W., Tolossa, D., & Zeleke, G. (2010). "Causes and impacts of seasonal migration on rural livelihoods: Case studies from Amhara Region in Ethiopia", *Norsk Geografisk Tidsskrift–Norwegian Journal of Geography*, 64(1), 58-70.

Beik Mohamadi, H. (2003). "A Geographical Analysis on Migration Process in Khoozestan Province", *Geography and Development*, 1(2). (Persian).

Bhandari, P. (2004). "Relative deprivation and migration in an agricultural setting of Nepal", *Population and Environment*, 25(5), 475-499.

Crow, H. (2010). *Factors influencing rural migration decisions in Scotland: an analysis of the evidence*. Scottish Government.

De Haas, H. (2011). *The determinants of international migration*.

Enigbokan, O., Edkins, B., & Ogundele, O. (2015). *Relevance of Migration Theories in the identification of influencing factors for Nigerian and Zimbabwean migrants in South Africa*. In Economic Society of South Africa (ESSA) conference, Cape Town, South Africa.

Esmaeli, N., & Mahmoodian, H. (2017). "A Study on Factors Influencing Educational and Occupational Migration of Iranian Young Women during 2006-2011", *Strategic Studies on Youth and Sports*, 15(34). (Persian).

Falco, C., Galeotti, M., & Olper, A. (2019). "Climate change and migration: Is agriculture the main channel?", *Global Environmental Change*, 59, 101995.

Fan, C. C. (2005). "Modeling interprovincial migration in China, 1985-2000", *Eurasian Geography and Economics*, 46(3), 165-184.

Ghaffari, R., & Torke Harcheghani, M. (2011). "Analyzing the Effective Factors in Emigration of Rural Youth to Urban Areas"

(Case Study: Sadegh Abad Village in Chaharmahal and Bakhtiari Province)', *Housing and Rural Environment*, 30(132). (Persian).

Ghasemi Ardehaei, A. (2006). "Causes of Rural-Urban Migration in Iran: A Meta Analysis of Theses (During 1980-2004)", *Village and Development*, 9(1). (Persian).

Liu, Y., Deng, W., & Song, X. (2018). "Influence factor analysis of migrants' settlement intention: Considering the characteristic of city", *Applied Geography*, 96, 130-140.

Mahmoudian, H., and Ghasemi Ardahi, A. (2013). Study of the status of migration and urbanization in Iran, United Nations Population Fund with the assistance of the Institute of Statistics and the Faculty of Social Sciences. (Persian).

Massey, D. S., & España, F. G. (1987). "The social process of international migration", *Science*, 237(4816), 733-738.

Massey, D. S., Arango, J., Hugo, G., Kouaouci, A., Pellegrino, A., & Taylor, J. E. (1993). "Theories of international migration: A review and appraisal", *Population and development review*, 431-466.

Mendola, M. (2008). "Migration and technological change in rural households: Complements or substitutes?", *Journal of Development Economics*, 85(1-2), 150-175.

Moshfegh, M. (2011). "Analysis of the effects of human capital and demographic indicators on internal migration in Iran", *Journal of Population Association of Iran*, 6 (11), 135-158. (Persian).

Oberai, (1991). *Migration, Urbanization and Development*. Translated by farhang Ershad, Tehran: Institute for Labor and Social Security. (Persian).

Parnwell, M. (2006). *Population movements and the Third World*. Routledge.

Piras, R. (2017). "A long run analysis of push and pull factors of internal migration in Italy; Estimation of a gravity model with human capital using homogeneous and heterogeneous approaches", *Papers in Regional Science*, 96(3), 571-602.

Shahpari, D. (1396). *Assessing the tendency to emigrate and the factors affecting it: A case study of 18-29 year olds in Khuzestan province*, thesis for a master's degree, Department of

Demography, Faculty of Social Sciences, University of Tehran. (Persian).

Skeldon, R. (2010). "Migration and development over twenty years of research: progress and prospects", Migration in a Globalised World, 145.

Sozoki, L. (2007). "Impacts of Internal Migration on Human Capital in China", Demography in China, 3, Pp 1-30.

Stark, O. (1984). "Rural-to-urban migration in LDCs: a relative deprivation approach", Economic Development and Cultural Change, 32(3), 475-486.

Stark, O., & Bloom, D. E. (1985). "The new economics of labor migration", the American Economic review, 75(2), 173-178.

Todaro, M. P. (1987). Internal Migration in Developing Countries: A Review of Theory, Evidence, Methodology and Research Priorities, Genf 1976; James T. Fawcett.

Zanjani, H. (1999). Demographic analysis, Tehran: Publication of the samt, second edition. (Persian).

Evaluation of Individual Factors Affecting the Probability of Migration from Khuzestan Province to Other Parts of the Country

Mohammadreza Hosseini (Ph.D)¹ and Davoud Shahpari Sani²

DOI: 10.22055/QJSD.2020.16736

Abstract:

Internal migration is an important process in most countries and reflects people's reaction to factors such as regional economic inequality, social failure and dissatisfaction in many aspects of life. Khuzestan province has undergone major changes in terms of population displacement in the Period 1996-2016 compared to other provinces, with the highest percentage of expatriates after Tehran. This article aims to identify the individual factors affecting the probability of migration from Khuzestan province to other parts of the country. The research method used in this study is secondary analysis of raw data of two percent population census of Khuzestan province, 2016. Findings showed that age, sex, marital status, literacy status, and degree of education influence the probability of migration. Women, spouses, literates, and those with a higher educational background make up the largest number of immigrants. Most of them were young immigrants. Among the out migrations, Isfahan and Tehran had the highest number of immigrants from Khuzestan.

Key Concepts: Migration, Individual Factors, Secondary Analysis, Probability of Migration, Khuzestan Province

¹ Assistant Professor, Department of Social Sciences, University of Ayatollah Boroujerdi, Boroujerd, Iran (Corresponding Author), m.hosseini@abru.ac.ir

² Master of Science in Demography, University of Tehran, Tehran, Iran, dshahpari@ut.ac.ir

